بسم الله الرحمن الرحیم

## اشاره

در ضمن مباحث تعلیل تاکنون پنج بحث و محور را متعرض شدیم . برای اینکه این بحث تعلیل بتواند مجموعه کاملی بشود محور ششمی هم اینجا اضافه می‌کنیم، گرچه مباحث مربوط به این محور در طول سال‌ها گفته شده است.

## مبحث ششم: استفاده حکم از علل و حکمت‌ها

این مبحث پیرامون این است که از علت‌ها و حکمت‌هایی که در روایات برای افعال و اعمال ذکر می‌شود، چه مقدار می‌شود احکام مشخصی استفاده کرد. وقتی که یک علت و حکمتی برای نتیجه عملی ذکر می‌شود چه حکمی می‌شود از بیان این نتیجه استفاده کرد.

### توضیح مسئله

#### اقسام علل مذکور در روایات

علل و نتایج و حکمت‌هایی که برای کارها ذکر می‌شود، در روایات به دو قسم است.

1. حکمی در دلیل است و علتی هم برای آن ذکر شده است. مثلاً گفته شده: فلان کار را انجام ندهید به خاطر اینکه فلان نتیجه را دارد.

2. نتیجه کار در روایت ذکر شده، ولی حکم مستقیمی در آن دلیل وجود ندارد. مثلاً می‌گوید: «قلة العیال احد الیسارین»[[1]](#footnote-1) یا فلان کار این نتیجه را می‌دهد؛ فلان کار آن نتیجه منفی یا مثبت را در پی دارد اما امر و نهی در خطاب نیست . در واقع پیامدهای آن عمل ذکر شده است، بدون اینکه حکمی در کلام ذکر شده باشد.

### علت طرح مبحث ششم

علت اینکه ما در اینجا این مباحث را مطرح می‌کنیم این است که این‌ها جزء مصالح و مفاسدی هستند که می‌توانند مبنای احکام قرار گیرند.

گاهی این مصالح و مفاسد همراه با بیان حکم نیست و روایت مستقیماً همان مصالح و مفاسد را بیان می‌کند و می‌توان گفت که علل واقعی همان مصالح و مفاسد است، منتها گاهی همین مصالح و مفاسد به همراه حکم مطرح می‌شود و گاهی هست که این مصالح و مفاسد در دلیل وارد می‌شود، بدون اینکه حکم انشائی باشد و تنها اخبار محض است و این قسم دوم محل بحث است.

گاهی در خطاب انشاء و اخبار هر دو است و تعلیل هم خبر است و گاهی خطاب اخبار محض است و می‌گوید که عمل این ویژگی‌ها را دارد و این ویژگی‌ها همان مصالح و مفاسد است .

#### ملاحظه

قبل از اینکه به پاسخ و تنویع و تقسیم برسیم این ملاحظه را باید مورد نظر داشته باشیم که خود این جمله خبریه که به عنوان پیامد و نتیجه عمل آمده بدون همراهی حکم نباید در مقام تشریع و حکم باشد و چراکه اگر در مقام تشریع باشد، همان حکم لحاظ می‌گردد؛ لذا بحث ما در جملات خبریه‌ای است که در آن مولا دارد تنها خبر می‌دهد و جنبه انشائی ندارد؛ مانند «**قلة العیال احد الیسارین**»[[2]](#footnote-2)، «**مَنِ‏ اسْتَخَفَ‏ بِالْعُلَمَاءِ أَفْسَدَ دِينَه**»‏[[3]](#footnote-3) و «**من استخف باهله خسر طیب عیشه**» و امثال آن که در این‌ها جمله صرفاً خبریه است و در مقام انشاء هم نیست.

برد این مطلب و اینکه آیا می‌شود از این طریق به حکم رسید و در صورت رسیدن به حکم آیا حکم، الزامی است یا غیر الزامی مطالبی است که در ادامه مطرح می‌شود.

در پاسخ به این سؤال که آیا حکم از این گونه اخبارها استفاده می‌شود یا نه و چه نوع حکمی می‌تواند باشد، می‌گوییم:

بیان این مصالح و مفاسد به دو قسم می‌باشد :

1. بیان مصالح فعلی

2. بیان مفاسد فعلی

### تقسیم‌بندی آثار مذکور بر اعمال

اما آن تقسیم اساسی که در این بحث باید مورد توجه باشد این است که در مقام تقسیم آثار و مصالح و مفاسدی که بر افعال ذکر می‌شود، بدون اینکه حکمی در کلام باشد: چند قسم است، البته این تقسیم در جایی که حکم هست نیز وجود دارد، منتها اثرش بیشتر در بدون حکم مطرح است.

#### آثار دنیوی و اخروی اعمال

آثاری و پیامدهای خوب و بد ذکر شده بر عمل به دو گروه آثار دنیوی و اخروی تقسیم می‌شود.

یک‌بار عمل شما اثر خوب و بد را برای دنیای شما در پی دارد و یک‌بار این اثر را برای آخرت شما در پی دارد.

##### اقسام آثار اخروی

قسم دوم که اثر اخروی باشد خودش به چند قسم تقسیم می‌شود :

1. آثار مربوط به عالم برزخ؛ کسی که بداخلاقی کند فشار قبر دارد و ...

2. آثاری که برای عمل در قیامت ذکر می‌شود .

3. آثاری که مربوط به بهشت و جهنم است.

##### اقسام آثار دنیوی

قسم اول هم که آثار دنیوی باشد نیز می‌تواند به اشکال مختلفی باشد:

1. آثار مادی و دنیوی محض

2. آثار روحی و روانی و به شکلی معنوی، هر چند این دنیایی است . مثلاً کسی که فلان کار را بکند قلب او سیاه می‌شود و قساوت قلب پیدا می‌کند. کسی که حیوان ذبح کند قساوت قلب پیدا می‌کند و ...

طبعاً در قسم اول از این دو قسم که آثار دنیوی باشد می‌تواند اقسامی داشته باشد:

1. فردی 2. خانوادگی 3. اجتماعی

از یک منظر دیگر می‌شود آثار اقتصادی و اجتماعی داشته باشد.

#### جمع‌بندی اقسام آثار

آن آثار خوب و بدی که برای اعمال ذکر می‌شود یا مربوط به آخرت است که 1. اخروی برزخی یا 2. اخروی مربوط به قیامت است و یا 3.اخروی مربوط به بهشت و جهنم است و یا دنیوی است که 4. مربوط به آثار روحی و روانی شخص است و یا دنیوی است که 5. مربوط به‌صرف دنیا و مادی می‌باشد .

### استنباط حکم از پیامدهای اعمال

از بیان این پیامدهای عمل آیا می‌شود حکم ترجیحی یا الزامی استفاده کرد یا نه ؟

#### استفاده حکم تحریمی از آثار اخروی مربوط به دخول جهنم

در آثاری که مربوط به حیات جاویدان انسان که مربوط به بهشت و جهنم است اگر اثری ذکر شود که موجب عذاب یا اشتداد عذاب باشد علی‌الاصول حکم از آن استفاده شده و حکم هم تحریمی خواهد بود.

نسبت به جهنم گفته می‌شود که عذاب جهنم هر جایی باشد حکم تحریمی از آن استفاده می‌شود و فرقی نیز بین این نیست که صرف دخول در جهنم باشد یا اشتداد آن .

#### استفاده حکم استحباب از آثار مربوط به دخول در بهشت

قسم دوم که طرف بهشت باشد حکم رجحانی از آن استفاده می‌شود؛ مثلاً اگر گفته شود که این کار موجب بهشتی شدن شما می‌شود یا موجب افزایش نعم بهشتی بشود، این نوع آثار نمی‌تواند بیش از رجحان را نشان دهد و صرف استحباب را می‌تواند برساند و حالت طبیعی آن این است که می‌توان رجحان و ترجیح را (نه الزام را) استفاده کرد.

### مبنای استفاده حکم از آثار اخروی

مبنای استفاده حکم از آثار بهشتی و جهنمی، همان است که مصالح و مفاسد اخروی قدر متیقن از احکام شرع است و قدر متیقن از آخرت هم بهشت و جهنم است، لذا بیان آثار در این جهت حکم ساز می‌باشد تنها تفاوت در جنبه بهشت و جهنمی است که یکی الزامی بوده و دیگری ترجیحی است.

#### استفاده حکم از آثار مربوط به قیامت

قسم دوم از آثار اخروی که بحث قیامت باشد، می‌گوید اگر این عمل را انجام دهید در قیامت توقف بیشتر ، زحمت بیشتر خواهید داشت یا عبور از صراط راحت‌تر یا سخت‌تر خواهد بود .

در اینجا نیز دو قسم است آنجایی که گشایش در قیامت را برای عملی ذکر می‌کند حکم ساز است اما حکم ترجیحی است و در مقابل اگر عذاب و دشواری را برای عملی در قیامت ذکر می‌کند جای تأمل است که آیا حکم می‌سازد و آیا حکمش هم الزامی است. هر چند ظهورش همین است ولی الزاماً همیشه این چنین نیست چراکه ما مکروهاتی در شرع می‌بینیم که یک سختی‌هایی را در دنیا یا قیامت ایجاد می‌کند منتها صرفاً مکروه است . لذا در این قسم دوم تنها مرجوحیت را می‌توان اثبات کرد.

و قسم سوم نیز مانند قیامت الکلام فالکلام است.

1. . من لایحضره الفقیه، ج 4، ص 416 [↑](#footnote-ref-1)
2. . همان [↑](#footnote-ref-2)
3. .تحف العقول، ص 320 [↑](#footnote-ref-3)